

تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم (پیمایش مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز در سال ۱۳۹۳) مهران سهراب زاده^۱، طاها عشایری^۲ و اسماعیل حسنونند^۳

از صفحه ۸۷ تا ۱۲۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۱۶

چکیده

ترس از جرم اشاره به این دارد که چقدر فرد نگران قربانی شدن است. این ترس باعث کاهش فعالیت اجتماعی، مشارکت و سلب اعتماد، پایین آمدن اقتدار و وجهه پلیس می‌شود. هدف اصلی مقاله این است که چه عواملی در ایجاد ترس از جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز مؤثر است. این تحقیق با استفاده روش کمی، تکنیک پیمایشی و ابزار پرسشنامه اجرا گردید. نمونه آماری از طریق فرمول کوکران انتخاب و پرسشنامه‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین خانوار توزیع استفاده شدند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین کیفیت محله (۳۴٪-)، بی‌نزاکتی (۱۷٪)، طول اقامت در محله (۵۲٪-)، وضعیت تأهل (۲۹٪)، نظارت اجتماعی (۳۸٪-)، تکرار و وقوع جرم (۴۷٪)، بی‌تفاوتی اجتماعی (۴۶٪)، اعتماد اجتماعی (۳۳٪-)، حضور پلیس (۵۶٪-) داغ ننگ (۴۱٪) با ترس از جرم معنادار و متغیرهای سن، تحصیلات، رسانه با ترس از جرم معنادار نبوده است.

کلید واژه‌ها

ترس از جرم، تبیین جامعه‌شناختی، پنجره شکسته، داغ ننگ، کیفیت محله، بی‌نزاکتی.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

۲- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران و پژوهشگر- (نویسنده مسئول) t.ashayeri@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران esmail.hasanvand@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله:

ترس از جرم^۱ به ترس از قربانی شدن شخص توسط جرم در مقابل احتمال واقعی قربانی شدن اشاره دارد (هال، ۱۹۹۶). یا اشاره به ترس از رفتن به خیابان و ترس از جوانان دارد که از قدیم‌الایام در فرهنگ غربی وجود داشته است (استفن و همکاران، ۲۰۱۴). ترس از جرم می‌تواند در احساسات عمومی، افکار و رفتارها یا خطرات شخصی به صورت متفاوت دیده شود و دیدن صحنه ترسناک و تجربه واقعی از یک حادثه می‌تواند به شکل‌گیری آن کمک کند (گابریل و گرو، ۲۰۰۳: ۳۴). ترس از جرم اشاره به میزان هراس اجتماعی، اضطراب عمومی، دلهره و نگرانی نسبت به قربانی شدن، خود، فامیل، فرزندان و خویشاوندان در قبال جرائم اجتماعی در جامعه می‌باشد و با گسترش جمعیت شهری، گذر از سنت به مدرنیته، افزایش سطح تکنولوژی و دانش میزان آن بیشتر می‌شود و می‌توان گفت که با توسعه رابطه مثبتی دارد؛ یعنی با توسعه جوامع و پیشرفت آن همچنان میزان ترس از جرم نیز بالا می‌رود. ترس از جرم به طور خاصی در کلان‌شهر، مناطق پرجمعیت، حاشیه‌نشین‌ها نسبت به مناطق دیگر بیشتر است و نوعی هراس و اضطراب اجتماعی در زنان و مردان است که به شدت فعالیت‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که به نوبه خود در کاهش مشارکت اجتماعی فعال در جامعه مؤثر است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان ترس از جرم در بین مناطق سنتی نظیر روستاها، جوامع عشایری و کشاورزی بسیار پایین است. ترس از جرم اشاره به احساس قربانی شدن توسط مجرمین دارد. از نظر بسیاری از محققان ترس از جرم به طور خاصی مسئله‌ای شهری است که تأثیر قابل توجهی بر نارضایتی شهری دارد (لیسکا، ۱۹۸۸). وقوع جرائم اجتماعی و شکل‌گیری ترس از جرم حتی در برنامه‌های کلان ملی نظیر شرکت در مراسم ملی، انتخابات، جشن‌ها و سیاست‌گذاری کشوری و منطقه‌ای اثرگذار هست. معمولاً محله‌های شلوغ، حاشیه‌نشین، کوچه‌های پر پیچ و خم، ساختمان غیر اصولی و غیراستاندارد به افزایش ترس از جرم کمک می‌کند. ترس از جرم در بین شهروندان باعث ایجاد هراس اجتماعی می‌شود. در صورتی که ترس از قربانی شدن و آلوده شدن به جرم و بزهکاری در بین شهروندان شیوع یابد، باعث کاهش مشارکت، کاهش اعتماد اجتماعی، افت سرمایه اجتماعی، کاهش روابط اجتماعی و

1- Fear of crime

همدلی در بین محلات و سطح شهر خواهد شد. ویژگی‌های گفته شده، نمونه توصیفی از اجتماعات حاشیه‌نشین است. به زعم جرم‌شناسان، مطالعه ترس از جرم دلالت‌های مهمی برای خط‌مشی‌های سیاسی، اقتصادی - اجتماعی دارد (ویلیامز، ۲۰۰۴). ترس از جرم بیشتر از خود جرم زیان می‌رساند و منجر به افت روح و جان مردم می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵). کونکلین ترس از جرم را به عنوان احساس امنیت شخصی در اجتماع تعریف می‌کند. از نظر تایلور ترس از جرم واکنشی عاطفی به جرائم خشونت‌بار احتمالی و آسیب‌های فیزیکی است. برخی دیگر معتقدند سازه ترس از جرم ضرورتاً وضعیتی احساسی نبوده بلکه در بطن خود نوعی قضاوت شناختی همچون احتمال قربانی شدن و حتی ابعاد رفتاری مثل اجتناب از تنها قدم زدن در شب را نیز در بردارد. گافمن و گیدنز به مفهوم بی‌تفاوتی مدنی در روابط متقابل اجتماعی در جامعه مدرن و فقدان یا ضعف چنین مفهوم و نگاهی به شهروندان در یک جامعه اغلب سنتی اشاره می‌کنند که می‌تواند از منابع مهم تهدید امنیت و عامل ترس از جرم شود. شاید بزرگ‌ترین تأثیر ترس جرم همان نگرانی عمومی درباره بی‌نظمی محلات، انسجام اجتماعی و کارایی جمعی است (پرکینز و تایلور، ۱۹۹۶: ۷۶). بروز و خطر جرم در ارتباط است با مشکلات ناشی از ثبات اجتماعی، توافق اخلاقی و فرایند نظارت و کنترل گروه‌های غیررسمی که نظم اجتماعی محلات را به تحلیل برده است (وایننت، ۲۰۰۸). وجود مسائل همیشگی نظیر فقر اخلاقی جوامع، پایین بودن سطح اعتماد و انسجام اجتماعی باعث پخش حس خطر در بین مردم و تولید احساس ناآرامی، بی‌امنیتی و بی‌اعتمادی در محیط اجتماعی شده است (بنیستر، ۱۹۹۳). علاوه بر این بسیاری از مردم ترس از جرم خود را از طریق نگرانی عمومی درباره فروپاشی نظم و امنیت محله، ضعف اقتدار اخلاقی، فروپاشی مدنیت و سرمایه اجتماعی بیان می‌کنند (گرلینگ، سپارکر، ۲۰۰۰؛ فارل، گری، ۲۰۰۹). شنیدن در مورد حوادث یا درباره دیگرانی که قربانی جرائمی خاص شده‌اند به شکل‌گیری تصور خطر قربانی شدن در شنوندگان کمک می‌کند (تایلر، ۱۹۸۰) این عمل خود به خود احساس ترس را در محیط‌های مسکونی چند برابر کرده و اثرات حوادث جنایی را گسترده‌تر می‌کند (کوپینگتن و تایلر، ۱۹۹۱). این امر تأثیر رسانه را بر روی ترس از جرم بیان می‌کند؛ اما پژوهش‌های مختلف نشان داده است که احتمال نرخ بزه دیدگی مردان به مراتب بالاتر از زنان است.

حال آنکه زنان سه برابر بیش از مردان از جرم می‌ترسند (استنکو و اسکات، ۲۰۰۳: ۲). ترس شهروندان از جرم و قربانی شدن مسئله‌ای است که مورد توجه جرم شناسان و جامعه شناسان در جوامع مختلف قرار گرفته است. همان‌طور که کجرووری و جرائم می‌توانند باعث تخریب اجتماع و به وجود آمدن اثرات جبران‌ناپذیر آشکار و پنهان گسترده‌ای نظیر کاهش احساس امنیت، گسترش بی‌اعتمادی و کاهش مشارکت اجتماعی شوند. میزان ترس از جرم بر طبق محل زندگی متفاوت است. معمولاً ترس از جرم در شهر بسیار بیشتر از روستاست. افرادی که در شهرستان‌ها زندگی می‌کنند تمایل دارند میزان بالایی از ترس داشته باشند، چرا که میزان جرم و جنایات در شهرها بیشتر است (هورتون، ۱۹۸۸: ۲۶۹). این نظریه بیان می‌کند که میزان ترس از جرم ممکن است در بین مناطق حاشیه‌نشین بیشتر از مناطق مرکزی باشد. چرا که مثلاً در شهر تبریز جرائم در نقاط به خصوص مناطق حاشیه‌نشین نظیر، ایدالو، ... و که اکثر جرائم شهری نظیر سرقت اموال از مغازه، وسایل دولتی، سرقت از منازل، موتور، لاستیک و سایر لوازم ماشین، خرید فروش مواد الکی، مواد مخدر و... تجاوزهای جنسی در این مناطق اتفاق می‌افتد. ساختار کوچه‌ها و منازل طوری است که حضور پلیس و گشت مأمورین انتظامی را با مشکل مواجه می‌سازد و کوچه‌های باریک و فاقد روشنایی کافی، کثیفی کوچه‌ها، تجمع آشغال، وجود سرنگ و سایر مواد غیرمجاز، خانه‌های مخروبه و... باعث شیوع ترس از جرم شده است. به طوری که زنان معمولاً فعالیت‌های خود را در ساعات خاصی انجام می‌دهند و همین مسئله به کاهش مشارکت زنان در مسائل محلی، شهری، انجمن اولیا و مربیان شده است که نتیجه پایین آمدن آگاهی سیاسی، اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود. مناطق حاشیه‌نشین در تبریز به صورت غیر مهندسی، به دور از نظاره شهرداری ساخته شده و طی مطالعه مقدماتی مشاهده شد که اکثر منازل فاقد کنتور برق و آب هستند و از جایی دیگر سرقت می‌کنند و خانه‌های به صورتی غیراستاندارد و فاقد مجوز شهرداری احداث شده‌اند و انواعی از سرنگ‌ها، تجمع آشغال و انواعی لاستیک ماشین در اطراف منازل دیده می‌شود که مردم خود را با آن وفق دادند و به این خاطر معمولاً مهاجرین شهرهای دیگر و کارگران به خاطر ارزان بودن آن، مناسب بودن برای خرید و فروش مسائل جنسی، بازاریابی جنسی، این مناطق را برای اسکان ترجیح می‌دهند و همچنین از زندگی در چنین

مکان‌هایی احساس رضایت می‌کنند و دلیل آن هم سبکی در وضعیت فرهنگی و اقتصادی و به دور نظارت و کنترل پلیس و مردم است. معمولاً در ساعت‌های خاص ۱۴-۱۵ روز، ۲-۵ شب معتادان به راحتی در محل رفت‌وآمد داشته و به خرید و فروش تریاک، حشیش و سایر موارد اقدام می‌کنند و از ساعت ۷ شب به بعد هالی از رفت‌وآمد خودداری کرده و از حضور محله، کوچه خودداری می‌کنند. طی گزارش شفاهی محلات یوسف‌آباد و ایدالو ... در تابستان ۱۳۹۲-۱۳۹۳ سرقت از منازل، تجاوز به عنف، ربودن بچه، اعمال منافی عفت، عربده‌کشی‌های شبانه، نزاع و درگیری به وضوح دیده شده است که همه این عوامل مثل زنجیر متصل به هم منجر به ترس از قربانی شدن در شهروندان این مناطق گردیده است. بدین ترتیب مقاله حاضر قصد دارد با نگاهی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم را در مناطق حاشیه‌نشین مطالعه کند؟

پیشینه تحقیق

علیخواه و نجیبی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان زنان و ترس از جرم در فضای شهری، وضعیت ترس از جرم را در فضاهای عمومی در بین زنان شهر تهران مطالعه کرده‌اند. در این تحقیق از روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است. بدین ترتیب که بعد از بررسی نظریه‌های تبیین‌گر و تهیه مدل و ارائه فرضیه و نیز برگزاری چندین جلسه متمرکز گروهی با زنان در مناطق مختلف شهر، پرسشنامه‌هایی تهیه و در بین ۸۰۰ نفر از زنان ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران اجرا شده است. یافته‌ها این تحقیق حاکی از آن است که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد، ۳۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نسبت به تهدید جرائم دچار ترس و واهمه‌اند. به بیان دیگر حدود نیمی از زنان به هنگام تردد در شهر احساس امنیت ندارند. در بین زنان تحصیل کرده و دارای درآمد بالا، زنانی که در محله آن‌ها ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه بیشتر بوده و زنانی که از فعالیت‌های پلیس رضایت بیشتری داشته‌اند میزان ترس از جرم کم‌تر بوده است.

صدیق سروستانی و نصر اصفهانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌ای شهری؛ مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران به مطالعه ترس از جرم شهروندان در یکی از محله‌های تهران با تدوین مدل علی آزموده شده است.

نظریه‌های سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و بزه دیدگی برای انتخاب متغیرها و تدوین مدل پژوهش جهت علت‌یابی ترس از جرم در محله‌های شهری انتخاب شدند. داده‌ها از یک نمونه تصادفی ۳۸۶ نفر از ساکنان محله جنت‌آباد شمالی به‌وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شده است. مدل نظری پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات با به‌کارگیری روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس و در مدل نهایی برازش شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بی‌نظمی اجتماعی در محله مهم‌ترین تبیین‌کننده ترس از جرم در محلات شهری است. تجربه بزه دیدگی و رضایت از محله نیز تأثیر چشمگیری بر سطح ترس از جرم شهروندان دارند. نتایج این تحقیق ارتباط میان تعلق به شبکه حمایت‌های اجتماعی و اتخاذ تدابیر حفاظتی را با سطح ترس از جرم شهروندان تأیید نمی‌کند.

احمدی، سروش و افراسیابی (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز به مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در شهر شیراز پرداخته‌اند. این مقاله به بررسی ترس از جرم و عوامل فردی و محله‌ای مرتبط با آن می‌پردازد. به این منظور یک مطالعه پیمایشی به کمک پرسشنامه‌ای که توسط ۳۰۰ نفر از ساکنین دو محله جرم خیز شهر شیراز (محله احمدی نو و ده پیاله) صورت گرفت. نتایج حاکی از آن است که از میان متغیرهای فردی، جنسیت رابطه معناداری با ترس از جرم داشته و مردان ترس از جرم را بیش از زنان گزارش کرده‌اند. سایر متغیرهای فردی (سن، تحصیلات، قومیت، درآمد و مالکیت منزل مسکونی) رابطه معناداری با ترس از جرم نداشته‌اند. از سوی دیگر متغیرهای مربوط به محله، از جمله بی‌نزاکتی، دل‌بستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله به شکل معناداری با ترس از جرم رابطه دارند. در رگرسیون چند متغیره نیز تنها متغیر بی‌نزاکتی وارد مدل شده و توانسته ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید.

مبانی و چارچوب نظری:

ترس از جرم به عنوان اصطلاحی جرم‌شناسی به تازگی ابداع شده است و ظهور آن به ۴۰ سال پیش بر می‌گردد (لی، ۲۰۰۷: ۷). همچنین لی بیان می‌کند چگونه این واژه اعتبار تجربی و علمی به خود گرفت و به عنوان یک اصطلاح اجتماعی - فرهنگی برای تشریح

عنصری از زندگی در اواخر عصر مدرنیته به کار رفت. ترس به زعم دیتون و همکاران (۱۹۹۹: ۸۳) اصطلاحی که ابعادی فراگیری از احساس، دیدگاه‌ها، ارزیابی خطر را در برمی‌گیرد که برای افراد متخلف، تعاریف مختلفی دارد. جرم یکی از ویژگی اجتناب‌ناپذیر تمدن است. دورکیم بیان می‌کند که جرم امری بهنجار است، زیرا جامعه بدون جرم، امری محال و غیرممکن است، پس ترس صرفاً یک پاسخی طبیعی به جرم است (فرار، ۱۹۹۵: ۱). لی (۲۰۰۷: ۱) استدلال می‌کند که در چهار دهه گذشته ترس از جرم به یک نگرانی اساسی برای جرم‌شناسان، سیاست‌مداران، سازمان‌های پلیسی، رسانه و عموم مردم شده است. وی تأکید می‌کند که ظهور ترس از جرم نشان می‌دهد که نیاز به پژوهش نظری و تجربی بسیار قوی در این زمینه لازم است. از نظر گارفالو (۱۹۸۷) ترس از جرم، واکنش احساسی که خودش را با احساس خطر و نگرانی متعاقب که از خطر آسیب جسمی ایجاد می‌گردد، نشان می‌دهد و با نشانه‌های مشاهده‌شده در محیط زندگی که به بعضی از جنبه‌های جرم مرتبط می‌گردد بروز می‌کند. پین، ترس از جرم را دامنه وسیعی از احساسات و پاسخ‌گویی‌هایی عملی و عاطفی افراد جامعه نسبت به بی‌نظمی‌ها و جرائم اعمال‌شده در آن تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که ترس از جرم مسئله‌ای است اجتماعی و فردی نیست که ویژگی بعضی از افراد باشد، بدان معنا که بعضی افراد دارای آن و بعضی فاقد آن باشند، بلکه بیشتر انتقالی و موقعیتی است؛ به عبارت دیگر همه ما در دوران زندگی خود تحت تأثیر تجربیات و مناسبات اجتماعی در سایه‌ای از ترس حرکت می‌کنیم (پین، ۲۰۰۰: ۳۶۶). ترس از جرم اشاره دارد به نگرانی عمومی مردم (گروه‌های مختلف مردم) درباره اینکه چه قدر احتمال دارد قربانی جرم شوند. ترس از جرم می‌تواند زمینه‌های واقعی داشته و یا کاملاً غیرواقعی باشد. میزان مختلف ترس از جرم، پیامدهای مختلفی را در جامعه به بار می‌آورد. برای مثال، میزان‌های بالای ترس از جرم می‌تواند به اضطراب‌های شدید و در نتیجه فلج شدن جامعه منجر شود. احساس اضطراب و ناامنی، صرف مبالغه هنگفت برای جلوگیری از قربانی جرم شدن، تحرک جغرافیایی و جنب‌وجوش کمتر، بی‌اعتمادی به دیگران رشد شایعات شهری، قوت گرفتن کلیشه‌های ذهنی درباره گروه‌های اجتماعی و تمایل به شیطانی جلوه دادن دیگران، از جمله هزینه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی افزایش ترس از جرم در جامعه است. پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر آن است که بیشترین میزان ترس

از جرم لزوم اختصاص به افرادی که بیشترین میزان بزه دیدگی را تجربه کرده‌اند ندارد. همچنین، در بسیاری از موارد میان ترس از جرم و کاهش میزان جرم ضریب همبستگی معنی‌داری وجود ندارد. تأثیرناپذیری میان احساس امنیت از ثابت ماندن یا کاهش میزان جرم موجب شده است مدیران جامعه در کنار برنامه‌های پیشگیری از جرم راهبردها و سیاست‌های کاهش میزان ترس از جرم را نیز مدنظر قرار دهند. کاهش احساس ناامنی همچنین می‌تواند زمینه‌ساز کاهش فشار افکار عمومی بر مدیران اجتماعی برای اتخاذ سیاست‌های مقطعی و ناسنجیده در حوزه پیشگیری از جرم باشد. ترس بیش اندازه و نگرانی غیرواقعی مردم از احتمال بزه دیدگی بازتاب ژورنالیستی پدیده‌های مجرمانه موجب گرایش مدیران سیاست جنایی و به‌ویژه پلیس به‌سوی واکنش‌های احساسی و عامه‌پسند می‌شوند. هرچند سازوکارهای کاهش میزان ترس از جرم نباید به گونه‌ای تدوین و اجرا شود که مردم را نسبت به اتخاذ تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه بی‌اعتنا سازد. به سخن دیگر برنامه‌های کاهش احساس ناامنی به دنبال رفع کامل نگرانی مردم از جرم نیست بلکه هدف اجتناب از دغدغه‌های بی‌مورد و متوازن نگه‌داشتن احساس ناامنی و خطر واقعی جرم است، به‌گونه‌ای که افراد در معرض خطر بزه دیدگی را به اقدام‌های پیشگیرانه بیشتر ترغیب کند (حسنوند و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). ترس از جرم تنها سودآور نیست اما در میان شهروندان نوعی احتیاط و پیشگیری را ایجاد می‌کند تا فرصت وقوع جرم کاهش یابد. همچنین باعث شانه خالی کردن شهروندان از قبالت جرم در طریق خرید قفل برای منزل، نگه‌داشتن سگ و بازدارندگی عمومی می‌شود. ترس ناخوشایند باعث تشویق خط‌مشی‌ها جهت کنترل جرم می‌شود بنابراین ترس معقول باعث آمادگی جامعه برای مقابله جرم از طریق مدیریت آن در مسیری مستقیم می‌شود. ترس واکنشی کم‌وبیش منطقی به جرم است آن پیامدهای اجتماعی را از طریق دو مکانیسم مختلف ایجاد می‌کند: اولاً، مردم از لحاظ عاطفه ناآرام می‌شوند. به جای زندگی در آرامش و امنیت در خانه‌شان، آن‌ها احساس آسیب‌پذیری و تهدید کرده و منزوی می‌شوند. بجای لذت بردن از مسافرت با دوستان، به مدرسه رفتن، فروشگاه‌های مواد غذایی، محل کار، احساس ترس و اضطراب دارند. از آنجا که این‌ها به جای احساس امنیت، کمتر احساس خوشی دارند و باعث از دست رفتن رفاه و آرامش شخصی می‌شود. دوم اینکه، ترس باعث می‌شود که مردم زمان و پول خود را در ابزار

بازدارنده (دفاعی) به منظور کاهش آسیب‌پذیری سرمایه‌گذاری کنند. آن‌ها بیش از آن که می‌خواهند در خانه می‌مانند و از رفتن به مکان‌های خاص اجتناب می‌کنند. در حالی که پول و زمان خود را می‌تواند در جهت رفاه مردم نظیر جمع‌آوری هزینه اضافی در مسائل شخصی یا غیره استفاده کند و یا برای تبدیل به هزینه اجتماعی بکار گرفته شود (اسکوگان، ۱۹۸۶: ۲). در حال حاضر ترس از جرم به عنوان یک پدیده‌ای که در حقیقت متمایز از جرم واقعی است (گیلچریست، ۱۹۹۸: ۲۸۳). مفهومی انتزاعی و وابسته به برداشت افراد بوده و برای سنجش ذاتاً مشکل می‌باشد (گارفالو، ۱۹۷۸: ۸۴۱). نظرسنجی از قربانیان تنها راه ارزیابی میزان و اثرات ترس است (گودی، ۲۰۰۵: ۵۱). مطالعات متعدد نشان داده است ترس از جرم زنان عمدتاً به خاطر ترس از تهدید فیزیکی و جنسی توسط مردان غریبه است (کلی، ۱۹۸۸؛ استنکو، ۱۹۹۰؛ مدیریز، ۱۹۹۷). علاوه بر آن واقعیت آماری نشان می‌دهد احتمال دارد که زنان تهدید فیزیکی و جنسی توسط افراد را تجربه کنند (سگال، ۱۹۹۶: ۱۸۸)؛ بنابراین ترس عمومی از جرم باعث شده است که زنان تاکتیک‌هایی را به کارگیرند که آن‌ها را قادر سازد تا میزان ترس و قربانی شدنشان را به حداقل برسانند (کلی، ۱۹۸۸؛ استنکو، ۱۹۹۴، ۱۹۹۰). ترس از جرم می‌تواند با یک سری خصوصیات از جمله شدت یا درجه ترس شناخته شود (مثل ترور، نگرانی، هشدارها، دلهره، ترس)، برحسب شیوع (نسبت جمعیتی که ترس از جرم را در برخی دوره‌ها تجربه کرده‌اند) و طول مدت ترس در میان جوامع شهری و ملت؛ زیرا حوادث واقعی جنایی یا نمایش موردی از ترس، موردی و کوتاه‌مدت هستند اما احساس ترس و اضطراب می‌تواند به یک بیماری مزمن و وسواسی مبدل شود و حالتی بلندمدت داشته باشد (اسکوکن، ۱۹۷۹). مطالعات نشان داده است که ترس از جرم برحسب قومیت نیز متفاوت است. معمولاً سفیدپوستان در مقایسه با سایرین تمایل کمی به نشان دادن ترس از جرم دارند. بررسی که در زمینه سرقت، تجاوز، خشونت در ۱۹۹۴ در بریتانیا انجام گرفت نشان داد که اقوام آسیایی سطح ترس از جرم بالاتری دارند. گروه سیاهان در سطح بعدی از میزان ترس قرار دارند در حالی سفیدها میزان ترس کمتری دارند (هاگ، ۱۹۹۵).

دیدگاه تأثیر رسانه: تأثیر برداشت عمومی از خطر جرم بر بروز احساس ترس از جرم قطعی است و همچنین به وسیله پوشش رسانه‌های جمعی نیز شکل می‌گیرد. افراد از

طریق رسانه، ارتباطات بین فردی تصاویری از حوادث جنایی، عاملان آن، انگیزه جرم، جرائم غیرقابل کنترل و هیجانی در پیش خود به دست می‌آورند. مفهوم برداشت مشابه از یک مسئله امری کلیدی در ترس از جرم است. ممکن است خواننده روزنامه و همسایگان او احساس و شرحی مشابه از جرم بدهند و تصور خطر جرم شکل بگیرد و باعث انتقال آن به نگرانی درباره امنیت شخصی‌شان بشود (وینکل و وریج، ۱۹۹۰). خبرهای بد، خوب فروش می‌رود: از وقوع جرائم می‌توان داستان خوبی درست کرد. در نتیجه رسانه‌ها در گزارش وقوع رویدادهای منفی سریع‌تر عمل می‌کنند در حالی که از کنار رویدادهای مثبت (داستان موفقیت‌آمیز) می‌گذرد. اغلب این برداشت ایجاد می‌شود که خطر زیادی در رویارویی با جرم تا آنچه واقعاً وجود دارد هست (خدمات پلیس کوئینزلند، ۲۰۰۵). رسانه‌ها هیچ نقشه‌ای برای برانگیختن جرم و هراس عمومی ندارند، بلکه آن‌ها با ارائه خبرهای خیلی بد و داستان‌های غیرمعمولی به وظیفه خود می‌پردازد. خبرنگاران به دنبال موارد استثنائی هستند که همیشه هم، خبرهای بد نیست و اغلب مردم به وقایع غیرمعمول به عنوان خبر علاقه‌مند هستند. طبق نظر یکی از کارشناسان ما با این خبر که از بین ۱۰۰ هواپیما ۹۹ فرود آن به سلامت فرود آمدند، در صدر اخبار برخورد نمی‌کنیم، لذا گزارش «موارد غیرعادی» بیشتر مورد توجه است (گرابسکی، ۱۳۸۴).

طیف آزار و اذیت‌های جزئی: مواجه‌شدن مکرر با مواردی از قبیل آزار و اذیت‌های جزئی مانند سوت زدن برای جنس مؤنث، عبارت‌های نامناسب، تماس‌های زشت و لمس ناخواسته جنسی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر درک افراد از خطر و میزان سطح ترس داشته باشد (خدمات پلیس کوئینزلند، ۲۰۰۵).

درک احساس از دست دادن کنترل از طریق تجربه مکرر فقدان مدنیت: فرارو در کتاب خود ترس از جرم: تفسیر قربانی شدن مطالعات انجام‌شده‌ای را مطرح کرده است که فقدان مدنیت هم محیط جسمی و هم محیط اجتماعی را در برمی‌گیرد. فقدان مدنیت فیزیکی شامل بی‌نظمی‌های محیطی از قبیل آشغال پراکنده شده، ساختمان متروکه و خودروهای رها شده، دیوار نویسی غیرقانونی، پنجره‌های شکسته شده یا مسدود شده و غیره می‌باشد. در حالی که فقدان مدنیت اجتماعی شامل رفتار مخرب از قبیل، جوانان شرور، افراد بی‌خانمان، گدایان، افراد مست و همسایگان بی‌ملاحظه می‌شود. فقدان مدنیت ممکن است، به‌طور جداگانه یا ترکیبی، به‌طور غیرمستقیم‌تری

جرم را با اشاره تلویحی، از طریق از دست دادن کنترل محیط‌زیست و از دست رفتن حس همدردی افزایش دهد (همان).

بی‌نظمی و بی‌تمدنی: جنبه زیادی از بی‌نظمی به علت نبود قانون کیفری را نمی‌توان توسط پلیس اداره کرد. مردم، سلامت اجتماعی و محله خود را با انواع علائم شامل دیوارنویسی‌های غیرقانونی، رفتارهای بی‌نظمی، همسایگان پر سر و صدا، آشغال‌های تلنبار شده، ولگردی، وجود سرنگ در پارک‌ها و غیره می‌سنجند. بی‌نظمی و بی‌تمدنی به طور ظریفی با سایر عوامل اجتماعی ارتباط دارند که سبب افزایش ترس می‌شوند، تعامل اجتماعی کمتر، همکاری غیررسمی کمتر میان همسایگان جهت انجام فعالیت‌های پیشگیری‌کننده از جرم و پیشگیری از جرائم مربوط به خانه (گزارش دادگستری کانادا). عوامل دیگر مربوط به ترس از جرم، ممکن است مجموعاً به عنوان بی‌فرهنگی یا تمدنی توصیف شود. این عوامل ممکن است شکل به‌هم‌ریختگی، دیوارنویسی غیرقانونی، وندالیسم یا جنبه‌های دیگری از محیط ساخت و ساز که یک وضعیت کلی از خرابی و ویرانی را منعکس می‌کند، به خود بگیرد. علاوه بر این، عوامل دیگر می‌تواند شامل حضور دائمی افراد مست، ولگردها و تجمع‌های غیرقانونی مردان جوان باشد. این ویژگی‌ها به تنهایی و به‌ویژه در ترکیب با یکدیگر نشان می‌دهند که محل مورد نظر غیرقابل کنترل هستند. پیامی که این‌گونه ویژگی‌ها به همراه دارند، موجب ترس از جرم در بعضی افراد و دعوت به جرم در برخی دیگر از افراد می‌شود (اسکوگان، ۱۹۹۰، به نقل از گرابسکی، ۱۳۸۴).

۵- جنبه‌های مختلف فیزیکی و اجتماعی محل زندگی انسان با ترس از جرم رابطه دارد. نبود همبستگی بین همسایه‌ها که به شکل عدم تمایل همسایگان به کمک کردن به یکدیگر ظهور می‌کند، عامل مهمی است که با ترس از جرم همبستگی دارد. حضور همسایه‌های دلسوز و مهربان می‌تواند به کاهش ترس کمک کند. از سوی افرادی که در مناطق خارج کلان‌شهرها زندگی می‌کنند نسبت به ساکنین شهری کمتر از جرم گزارش می‌شود (همان).

دیدگاه نظریه قربانی شدن مستقیم: طبق این دیدگاه آن‌هایی که مستقیماً خود قربانی جرم می‌شوند و یا آن‌هایی که به طور غیرمستقیم از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی محلی، گفتگوهای شخصی با دوستان، آشنایان، شایعات یا رسانه‌های

جمعی مثل رادیو، تلویزیون و مطبوعات درباره جرائم و مشکلات مطلع می‌شوند، احساس ناامنی بیشتری نسبت به سایرین دارند (بور، ۲۰۰۷ به نقل از حسنونند، ۱۳۹۱: ۱۲۱). درحالی‌که قربانی شدن واحدی بر ترس از جرم نقش دارد، اما دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم در تلاش است تا توضیح دهد که تجربه‌های غیرمستقیم قربانی شدن، ترس از جرم را گسترده‌تر می‌کند. چنان‌که کسانی که در مورد جرم می‌شنوند یا قربانیان جرائم را می‌شناسند، به طور غیرمستقیم قربانی شده‌اند (مایز، ۲۰۰۱، به نقل از حسنونند، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

فرض آسیب‌پذیری: از منظر فرضیه آسیب‌پذیری، برداشت و ادراک افراد از میزان آسیب‌پذیری در برابر قربانی شدن عامل اصلی ترس از جرم است. به عبارت دیگر آن‌هایی که خود را نسبت به دیگران آسیب‌پذیرتر تصور می‌کنند احساس ناامنی بیشتری دارند (فرگوسن، میندل، ۲۰۰۷). آسیب‌پذیری درباره‌ی جرم سه بعد دارد: ۱- وجود ریسک؛ ۲- پیش‌بینی پیامدهای آسیب‌پذیری و ۳- فقدان کنترل (حسونند، ۱۳۹۱: ۱۲۳). یافته‌ها نشان می‌دهد که بین جرم و جنسیت رابطه وجود دارد و زنان بیشتر از مردان از جرم ترس دارند در حالی که احتمال اینکه قربانی شود کم است. پس جنسیت یک متغیر مستقل مهمی در مطالعه ترس از جرم دارد (لی، ۲۰۰۷: ۱۱۶). هر سه عامل منجر به تولید ترس می‌شوند. ترس همچنین در ارتباط با جنبه‌های نهادی، اجتماعی و فیزیکی آسیب‌پذیری است. برای مثال در زنان، سالخورده‌گان و افرادی که وضعیت سلامت بدی دارند (عامل فیزیکی) افراد بدون شبکه‌های حمایت اجتماعی (عامل اجتماعی) و افراد ساکن در مناطقی که کسی برای کمک کردن نیست (عامل نهادی) میزان ترس از جرم متفاوت است (فارل، ۲۰۰۷: ۵).

نظریه کنترل: از دیدگاه نظریه کنترل اجتماعی ترس از جرم و ناامنی صرفاً واکنش عاطفی به تجربه قربانی شدن نیست بلکه پیامد از بین رفتن کنترل اجتماعی است که ساکنان آن را درک می‌کنند. بر اساس این رویکرد، سازوکارهای بازدارنده ترس از جرم شامل برداشت و ادراک همسایگان از ظرفیت‌های کنترل اجتماعی غیررسمی (همسایگی ساکنان) و همچنین کنترل اجتماعی همگانی و عمومی (مثلاً نهادهای رسمی و دولتی) است. بر این اساس ترس از جرم زمانی کاهش می‌یابد که ساکنان احساس کنند همسایگان‌شان قابل اعتماد بوده، در ارزش‌های مشترکی سهیم‌اند و نیز تمایل دارند که

جرائم را گزارش دهند پلیس محل مسئولان شهر پاسخگوی مطالبات ساکنان‌اند (رنور، ۲۰۰۷ به نقل از حسونند، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

دیدگاه مدل نگرایی اجتماعی: از دیدگاه مدل نگرایی اجتماعی ترس از جرم با برداشت ساکنان از پویایی‌های اجتماع مرتبط است. این مدل که واکنشی است به رویکردهای تقلیل‌گرایانه روان‌شناختی؛ در واقع این مدل به تأثیر شرایط همسایگی و فاکتورهای اجتماعی- روان‌شناختی همچون از خود بیگانگی و آنومی، نگرانی از میزان تغییرات اجتماعی، بدبینی درباره آینده و فقدان کنترل بر شرایط زندگی و رضایت از همسایگی توجه ویژه‌ای دارد (کتز و همکاران، ۲۰۰۳). این مدل ترس از بزه دیدگی را ناشی از نگرانی درباره زوال اجتماع می‌داند به نحوی که ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی محلی باعث برجسته شدن ترس از جرم می‌شود. پژوهشگران عموماً نگرانی اجتماعی را به عنوان یک پدیده مرتبط با بی‌نظمی و ترس مطرح می‌کنند. هنگامی که مردم شاخص‌های بی‌نظمی را می‌بینند، این امر آنان را به این باور می‌رساند که اجتماع رو به زوال است و اینکه جامعه آن طور که باید باشد نیست و این همان چیز است که موجب ترس از بزه دیدگی می‌شود (لین و میکرو، ۲۰۰۵: ۶۲۰ به نقل از حسونند، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

تئوری پنجره شکسته: نظریه پنجره‌های شکسته پدیده حوادث زنجیره‌ای را به عنوان یک اصل مسلم می‌پذیرند. بدان معنی که اگر با یک بی‌نظمی و یک جرم خرد مدارا شود، سپس جرائم جدی‌تری به وقوع خواهد پیوست. ساکنانی که از عهده چنین کاری بر می‌آیند، جا می‌گذارند و می‌روند، صاحبان ملک و ثروت موفق نخواهند بود تا خانه و اموال تجاری خود را آن گونه که باید حفظ کنند و یک سیر مارپیچی نزولی محله را فرامی‌گیرد. این نظریه گسترده که امور پلیسی منفعل، بی‌نظمی و جرائم شدید را در الگویی از فضای خرابی‌های شهر به یکدیگر متصل می‌کند (حسونند و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲). محیط‌زیست شهری نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد دارد. جرک کیلینگ و جیمز ویلسون در یک مقاله معروف در ماهنامه آتلانتیک در مارس ۱۹۸۲ با عنوان پنجره شکسته: پلیس و امنیت محله‌ها بر این باورند که غفلت‌های کوچک مقیاس، همچون بر جای گذاشتن یک پنجره شکسته و تعبیه نشده، گویای پیام زوال و بی‌تفاوتی است و این مسئله سرانجام به جرم و جنایات بزرگ‌تری می‌انجامد. این نظریه بر اهمیت حیاتی حفاظت از محیط به عنوان شاخص فیزیکی

برای سطوح همبستگی و انسجام اجتماعی و کنترل غیررسمی تأکید کرده است. فرض اساسی در این نظریه این است که رسیدگی نکردن به جرائم جزئی، نظیر دیوارنویسی، زباله ریختن در معابر عمومی، گدایی و روسپی‌گری، باعث تضعیف موقعیت محله و ارتکاب جرائم جدی‌تر خواهد شد. یکی از نمونه‌های امروزی به کارگیری عملی این نظریه است. رازی مراقبت پلیسی است که جولینانی، شهردار سابق شهر نیویورک در زمینه حفظ نظم به اجرا درآورد و تأکید آن بر اعمال مؤثر و خشونت‌آمیز قوانین مربوط به جرائمی است که به کیفیت زندگی اجتماعی لطمه وارد می‌کند، مانند دیوارنویسی، ولگردی، دفع ادرار در معابر عمومی، زورگیری، مشروب‌خواری، روسپی‌گیری و عبور از عرض خیابان و نرده‌ها (دیلینی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). رامسی (۱۹۸۹: ۲) نشان می‌دهد که رفتار غیر مدنی نظیر مصرف الکل در محیط عمومی یا رفتار مست می‌تواند اثر نامطلوبی بر ساکنان داشته باشد و به افزایش ترس از جرم کمک کند. وجود گدا، مست‌ها، خرابکارها در ترس از جرم تأثیر دارند (ماتیوز، ۱۹۹۲). تحقیقات نشان می‌دهد که بی‌نزاکتی محله یکی از عوامل اصلی جرائم خطرناک است. مناطقی که با فقر نظارت طبیعی مواجه است فرصت انجام جرم و ترس از جرم را مهیا می‌کند (دوران و لیس، ۲۰۰۵: ۹). افراد نیمه ماهر و ساده که در شغل‌های خاصی فعالیت می‌کنند احساس ترس بیشتری نسبت به بقیه دارند به این دلیل معمولاً افراد فقیر و کم درآمد در مناطقی زندگی می‌کنند یا در محیط‌هایی کار می‌کنند که بیشتر با جرائم خطرناک مواجه می‌شوند. به این خاطر، ترس از جرم بالاتری دارند (رامسی، ۱۹۸۹). ترس از جرم پیامدهای مختلفی از جمله کاهش انسجام و همبستگی اجتماعی، افزایش مهاجرت، کاهش فعالیت‌های اجتماعی، افزایش هزینه‌های امنیتی دارد. (فرارو، ۱۹۹۵). وندروین (۲۰۰۶: ۱۱) استدلال می‌کند که مردم فعالیت‌های روزانه خود را کاهش می‌دهند، ترس از جرم بر روی کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. از دیگر اثرات آن انزوای اجتماعی و طرد اجتماعی است. این دو متغیر به کاهش عزت اعتماد اجتماعی و افزایش ترس از جرم می‌انجامد. وی استدلال می‌کند حتی روی سلامتی نیز اثر خود را می‌گذارد. اضطراب می‌تواند برای حس اعتماد مشترک، انسجام و کنترل درون جامعه اثر نامطلوبی داشته باشد (جکسون، ۲۰۰۶). نظارت همسایگان یکی از راه‌ها برای کاهش جرم و ترس از طریق درگیر سازی شهروندان در پیشگیری از جرم است. آن‌ها می‌توانند، باهم در مورد

مسائل رخ داده به بحث بنشینند و سازوکاری را برای کاهش جرم از طریق نظارت محلی و فعالیت گزارش جرائم انجام دهند. این به ساکنان محله اجازه می‌دهد نسبت به برخی از مسائلی که در محیط زندگی‌شان ممکن است رخ دهد راه‌حلی بیابند. ساکنان می‌دانند چه عاملی باعث ترس از جرم می‌شود و چه چیزی ترس آن‌ها را کاهش خواهد داد. این برنامه از طریق کاهش ترس است نه جرم (برانتینگم، ۱۹۹۰). البته گشت موتوری و پیاده پلیس خود می‌تواند بر کاهش ترس از جرم و امنیت بخشی به محلات کمک نماید (هورنیک و همکاران، ۱۹۸۹). آگاهی بخشی به جامعه می‌تواند مردم را درجایی که تهدید جرم وجود دارد در امان نگه دارد که این آگاهی را افزایش ضریب امنیت عمومی گویند (انتشارات مستند کانادایی، ۱۹۹۶).

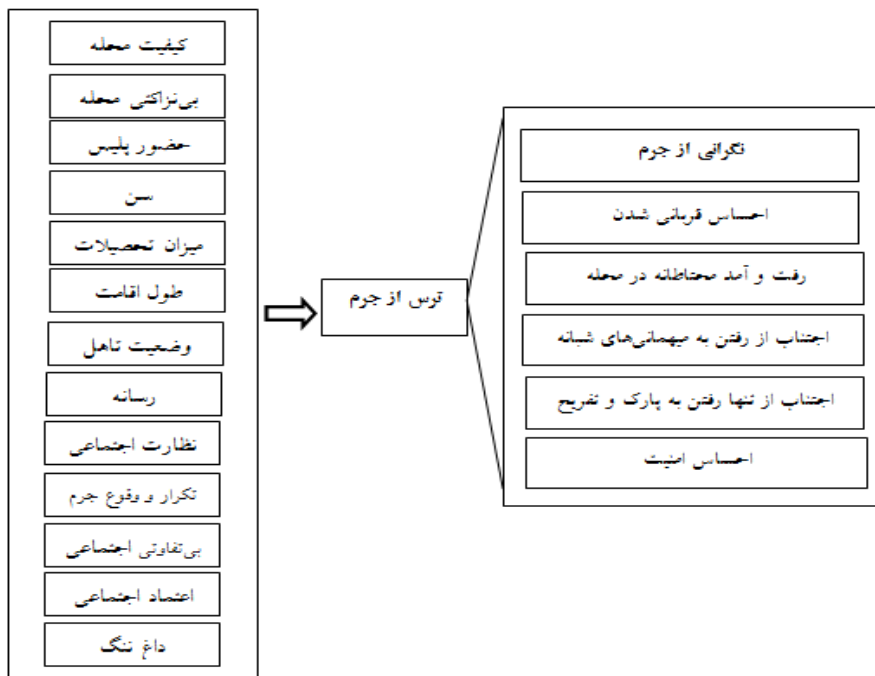
نظریه بی‌تفاوتی مدنی: گیدنز اعتقاد دارد که جامعه مدرن با وجود تمام مخاطرات و خطرهای احتمالی موجود در آن دارای قراردادهایی اجتماعی است که در حوزه روابط افراد جامعه با یکدیگر اعمال و باعث حفظ حریم شخصی و اجتماعی افراد می‌شود و به نوعی اعتماد متقابل میان انسان‌ها را شکل می‌دهد که آن را بی‌تفاوتی مدنی می‌نامند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۷۴). یکی از نظریه‌های مهم در جامعه‌شناسی که برای تبیین کج‌رفتاری‌های اجتماعی از آن استفاده می‌شود نظریه برچسب‌زنی است. انگ زنی فرایندی است که بر تحلیل‌کنش‌های افراد و ارزیابی منفی از آن متمرکز است، کسانی که قدرت ارزشگذاری بر رفتار کسی و انگ زدن به او را دارند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۷). این رویکرد، کج‌رفتاری را مفهومی ساخته جامعه می‌داند، یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آن کج‌رفتاری محسوب می‌شود، مفهوم کج‌رفتاری را می‌سازند (بکر، ۱۹۷۳: ۹؛ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۷). اروین گافمن از جامعه‌شناسانی است که کتاب داغ (۱۹۶۳) او در حوزه انحرافات اجتماعی است که رفتار را از نگاه دیگران بررسی می‌کند. وی معتقد است شکاف میان آنچه که یک شخص باید باشد، یعنی همان هویت اجتماعی که بالقوه می‌باشد و آنچه یک شخص واقعاً هست یعنی اجتماعی بالفعل را مورد بررسی قرار می‌دهد. هرکسی که شکافی میان دو هویتش دیده می‌شود، داغ‌خورده است. در این اثر گافمن برکنش متقابل نمایشی میان آدم‌های داغ‌خورده و معمولی تاکید می‌ورزد. ماهیت این کنش متقابل بستگی به آن دارد که کدام‌یک از دو نوع داغ بر پیشانی‌اش خورده باشد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۸). به این ترتیب

با توجه به چارچوب نظری مطرح شده در زمینه علل شکل‌گیری ترس از جرم از جمله نظریه پنجره شکسته، اثرات محیطی، محل زندگی، نزاکت محلات، نظارت اجتماعی، مدنیت و فقدان مدنیت و... برای تبیین ترس از جرم متغیرهای زیر را که در مدل مفهومی مفروض‌اند؛ مورد استفاده قرار داد.

مدل نظری تحقیق:

به این ترتیب مدل نظری حاصل از مبانی و چارچوب نظری برای تبیین ترس از جرم و عوامل مرتبط با آن بیشتر به ابعاد اجتماعی پرداخته‌اند و متغیرهایی نظیر اعتماد اجتماعی، داغ ننگ، کیفیت محله، بی‌تفاوتی اجتماعی، تکرار و وقوع جرم، نظارت اجتماعی، رسانه، حضور پلیس و بی‌نزاکتی محله را در افزایش ترس از جرم در بین شهروندان مؤثر دانسته‌اند.

جدول (۱) - مدل نظری تحقیق



فرضیات تحقیق:

- ۱- بین کیفیت محله و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین بی‌نزاکتی محله و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین حضور پلیس و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین سن و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین میزان تحصیلات و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- بین طول اقامت در محله و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- بین وضعیت تاهل و ترس از جرم تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
- ۸- بین رسانه و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۹- بین نظارت اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۱۰- بین تکرار وقوع جرم و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۱۱- بین بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به جرم و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۱۲- بین اعتماد اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۱۳- بین داغ‌ننگ و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی:

جامعه آماری این تحقیق برابر ۱۰۰۰ خانوار است که با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ خانوار به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش به شیوه گردآوری داده‌ها که در همه علوم یا بخشی از آن مشترک است، گفته می‌شود (میلر، ۱۳۸۰: ۱۵۱)؛ و انتخاب آن همواره بستگی به شرایط دارد (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۷). روش کلی این تحقیق، با توجه به موضوع آن کمی و با تکنیک پیمایشی است. به‌طورکلی، هرگاه جامعه موردنظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک‌تک افراد امکان‌پذیر نباشد و یا اصولاً لزومی هم نداشته باشد، مناسب‌ترین تکنیک، به‌کارگیری پیمایش است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۶)

در این تحقیق، علاوه بر آمار توصیفی، از آمار استنباطی استفاده و برای انجام پردازش اطلاعات از نرم‌افزار آماری مت‌تپت استفاده شده است. آمار توصیفی، آماري است که الگوی پاسخ‌های افراد نمونه را تلخیص می‌کند. آمار توصیفی اطلاعاتی درباره مثلاً متوسط درآمد پاسخگویان فراهم می‌آورد یا نشان می‌دهد که سطح تحصیلات بر الگوی رأی دادن افراد نمونه مؤثر است یا نه ... کار آمار استنباطی نشان دادن این نکته است که آیا الگوهای توصیف شده در نمونه‌ها کاربردی در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده، دارد یا نه؟ (دواس، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۷). در آمار استنباطی با توجه به سطح سنجش متغیر از اسپیرمن (سطح ترتیبی) و پیرسون (سطح فاصله‌ای) و برای تفاوت میانگین آزمون تی تک نمونه‌ای (مقایسه‌ای) استفاده شده است. بنابراین پرسشنامه این پژوهش دارای دو بخش توصیفی و استنباطی است. بخش توصیفی به دو قسمت اطلاعات زمینه و جمعیت شناختی و ۸ سؤال نظر سنجی به صورت طیف سه گانه مطرح شده است و در بخش دوم نیز ۱۰ شاخص تحت عنوان متغیر مستقل در قالب ۳۵ سؤال و شاخص ترس از جرم به عنوان متغیر وابسته نیز در قالب طیف لیکرت ۶ گویه‌ای با ابعاد احساس امنیت، احساس قربانی شدن، رفت و آمد محتاطانه در محله، اجتناب از رفتن به میهمانی‌های شبانه، اجتناب از تنها رفتن به پارک و تفریح و نگرانی از جرم سنجیده شده‌اند. هریک از ۶ گویه شاخص ترس از جرم به صورت سوالی در جدول شماره ۷- ۱۱ ارائه شده و همچنین شاخص کلی ترس از جرم در جدول ۱۲ از ترکیب ۶ شاخص فوق سنجیده شده‌اند.

روش نمونه‌گیری: برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای استفاده شده است. برای این منظور مناطق جرم خیز یا به اصطلاح حاشیه‌نشین تبریز که متشکل از هفت منطقه یوسف‌آباد، ارم، آخماقیه، بازارچه سیلاب، ایدالو، ۴۰ متری، منطقه ۴۰ متری از طریق روش خوشه‌ای به عنوان واحد مورد مطالعه انتخاب شده است. لیست خانوار و سپس بلوک‌های خانوار این منطقه از استانداری آذربایجان شرقی تهیه و در نهایت نسبت به تکمیل آن اقدام شد.

یافته‌های تحقیق:

الف- یافته‌های توصیفی

۱۰۵

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۳۴٪ از پاسخگویان اجاره‌نشین، ۶۶٪ مالک خانه، ۴۴٪ از پاسخگویان مجرد، ۳۶٪ متأهل، ۲۳٪ بین ۱۸-۳۰، ۳۱٪ بین ۳۱-۴۴ و ۴۶٪ سنین ۴۵ به بالا بودند. از لحاظ وضعیت درآمدی، ۳۵٪ پاسخگویان دارای درآمد خوب، ۲۹٪ درآمد متوسط، ۳۶٪ دارای درآمد ضعیف بودند. از نظر تحصیلات ۱۴٪ بی‌سواد، ۲۷٪ ابتدائی، ۱۹٪ راهنمایی، ۲۱٪ دبیرستانی و ۱۹٪ دانشگاهی بودند.

جدول (۱) چه قدر در محل زندگی خود احساس امنیت می‌کنید؟

خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم
۲۸٪	۳۳٪	۳۹٪

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد اکثر مردم یعنی قریب به اتفاق (۳۹٪) محل زندگی خود را ناامن می‌دانند و احساس امنیت ندارند.

جدول (۲) در محله زندگی خود بیشتر چه نوع جرمی را می‌بیند؟

سرقت	مسئله ناموسی	نزاع و درگیری	فحاشی و تهدید
۱۵٪	۳۶٪	۳۸٪	۱۱٪

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهند که بیشترین جرمی اتفاق می‌افتد مربوط به نزاع و درگیری بوده و بعدازآن مسئله ناموسی نظیر تجاوز، فحش، مزاحمت ناموسی می‌باشد. پس دو مؤلفه نزاع و درگیری بین جوانان و اهالی و مسئله ناموسی از متغیرهای اصلی در افزایش ترس از جرم هستند و اهالی بیشتر این دو مورد را حیاتی می‌دانند.

جدول (۳) سازوکار ترس از جرم از نظر اهالی

تشکیل ایستگاه پلیسی	تغییر ساختار محله	مهاجرت مخلان نظم
۵۴٪	۱۰٪	۳۶٪

اولویت اصلی و اساسی سازوکار ترس از جرم تشکیل ایستگاه پلیسی و بعد از آن مهاجرت دادن مخلان نظم و آسایش محلات می‌باشد. این نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی مردم به نهادهای انتظامی و پلیسی بیشتر از سایر نهادها می‌باشد و حضور و وجود مستمر آن‌ها می‌تواند به کاهش ترس از جرم کمک نماید و میزان فعالیت روزانه نظیر خرید،

تفریح، مراجعه به فضای سبز و باشگاه‌ها افزایش یابد؛ و از سویی مدل طراحی محیطی مطرح می‌شود که مهاجرت عاملان ترس از جرم کمک شایانی به ترمیم امنیت می‌شود.

جدول (۴) آیا روزانه و شبانه دیده‌اید که پلیس در محلات شما گشت زده باشد؟

گاهی	همیشه	هرگز
٪۳	٪۱	٪۹۶

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که به‌هیچ‌وجه پلیس گشت و حضور منظمی در آن نداشته است و عدم حضور آن عاملی بر وقوع جرم و ترویج تئوری پنجره شکسته نظیر افزایش مخروبه‌ها، بی‌نزاکتی، ساختمان کهنه و فاقد سکنه و... می‌باشد.

جدول (۵) حضور به‌موقع پلیس در صورت گزارش وقوع جرائم نظیر نزاع و درگیری و مشاهده معتادان و مخلان امنیت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خیلی خوب	متوسط	خیلی بد
٪۱۶	٪۲۳	٪۶۱

معمولاً ٪۶۱ حضور به‌موقع پلیس در هنگام وقوع جرم و درگیری خیلی بد توصیف کرده‌اند و رضایت چندانی از عملکرد پلیس در چنین مواقعی نداشته‌اند. همین عامل منجر به بی‌اعتمادی مردم به نهاد انتظامی می‌شود که سهم مشارکت مردمی را در مأموریت‌های پلیسی کاهش می‌دهد و از میزان موفقیت برنامه می‌کاهد.

جدول (۶) همکاری اهالی محل و محلات و همسایگان را در کاهش ترس از جرم نظیر دور کردن مجرمین و معتادین و... چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خیلی خوب	متوسط	خیلی ضعیف
٪۱۴	٪۲۲	٪۶۴

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که همکاری مردم باهم بسیار ضعیف می‌باشد؛ که نشانگر بی‌تفاوتی و نبود مشارکت مردمی در امن سازی محیط زندگی است. بدین ترتیب پایین بودن سطح همکاری مردمی خود عاملی بر گسترش ترس از جرم می‌باشد.

گویه‌های ترس از جرم:

جدول (۷) - تا چه اندازه در محل زندگی خود احساس امنیت می‌کنید؟

خیلی کم	متوسط	خیلی زیاد
٪۵۹.۲	٪۲۶.۸	٪۱۴

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت مردم در محله خود بسیار پایین می‌باشد.

جدول (۸) - چه قدر از اینکه خانواده شما قربانی جرم بشود، ترس دارید؟

خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم
۴۹.۳	٪۲۲.۴	٪۲۸.۳

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر افراد (۵۶٪) و همیشه احساس ترس دارند که خود و یا یکی از اعضای خانواده ممکن است قربانی مستقیم و غیرمستقیم جرم واقع شود و احتمال حادثه‌ای را به خود می‌دهند و به این خاطر همیشه دل‌شوره و نگرانی دارند.

جدول (۹) تا چه اندازه در محله خود محتاطانه رفت‌وآمد می‌کنید؟

خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم
٪۶۲.۴	٪۸.۱	٪۳۰.۵

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از افراد با احتیاط در محله خود در شبانه و روز رفت‌وآمد می‌کنند.

جدول (۱۰) تا چه اندازه از رفتن به میهمانی‌های شبانه اجتناب می‌کنید؟

خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم
٪۵۵	٪۲۵.۲	٪۱۹.۸

بر طبق یافته‌های جدول فوق، ۵۵٪ از افراد اعلام کرده‌اند که رفتن به میهمانی‌های شبانه اجتناب می‌کنند.

جدول (۱۱) تا چه اندازه نسبت به جرم در محل زندگی خود احساس نگرانی و دلهره دارید؟

خیلی زیاد	متوسط	خیلی کم
٪۷۱	٪۲۲.۴	٪۶.۶

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۷۱٪ افراد اعلام کرده‌اند که احساس نگرانی و دلهره‌ای بیشتری نسبت به جرم در محیط زندگی خود دارند.

شاخص‌های فوق هر یک بیانگر بعدی از متغیر ترس از جرم هستند و محقق از ترکیب شاخص و گویه‌های فوق متغیر ترس از جرم را ساخته است. یافته‌های توصیفی این متغیر برابر با جدول زیر نشان می‌دهد که میزان ترس از جرم در بین شهروندان در

حد بسیار بالایی می‌باشد و بیش از نیمی از پاسخگویان ترس از جرم بالایی نسبت به محل زندگی و محله خود دارند.

جدول (۱۲) فراوانی شاخص توصیفی ترس از جرم

پایین	متوسط	بالا
٪۱۷	٪۱۳	٪۶۷

ب یافته‌های استنباطی:

جدول (۱۳) یافته‌های استنباطی

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع آزمون	ضریب همبستگی	معناداری	نتیجه
۱	کیفیت محله	ترس از جرم	اسپیرمن	-٪۳۴	۰/۰۰۰	قبول
۲	بی نزاکتی محله	ترس از جرم	پیرسون	٪۱۷	۰/۰۰۰	قبول
۳	سن	ترس از جرم	پیرسون	-٪۴۴	۰/۸۹۴	رد
۴	میزان تحصیلات	ترس از جرم	اسپیرمن	٪۳۱	۰/۶۲۰	رد
۵	طول قامت در محله	ترس از جرم	اسپیرمن	-٪۵۲	۰/۰۴۰	قبول
۶	وضعیت تاهل	ترس از جرم	همبستگی دو رشته ای	٪۲۹	۰/۰۳۰	قبول
۷	رسته	ترس از جرم	پیرسون	٪۱۵	۰/۸۳۰	رد
۸	نظارت اجتماعی	ترس از جرم	پیرسون	-٪۳۸	۰/۰۰۲	قبول
۹	تکرار وقوع جرم	ترس از جرم	پیرسون	٪۴۷	۰/۰۰۱	قبول
۱۰	بی تفاتی اجتماعی	ترس از جرم	پیرسون	٪۴۶	۰/۰۰۰	قبول
۱۱	اعتماد اجتماعی	ترس از جرم	پیرسون	-٪۳۳	۰/۰۰۵	قبول
۱۲	داغ ننگ	ترس از جرم	پیرسون	٪۴۱	۰/۰۰	قبول
۱۳	حضور پلیس	ترس از جرم	پیرسون	-٪۵۶	۰/۰۰	قبول

فرضیه یکم: یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین کیفیت محله و ترس از جرم رابطه معنی و معکوسی وجود دارد. هر چه کیفیت محله بالاتر و بهتر، میزان ترس از جرم نیز کاهش خواهد یافت و برعکس هر چه از کیفیت محله کاسته شود به میزان ترس از جرم اضافه می‌شود.

فرضیه دوم: یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر بی‌نزاکتی محله و ترس از جرم رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. هر چه محله بی‌نزاکت باشد، بر میزان ترس از جرم افزوده می‌شود. پس با شلوغی محله، سطح پایین بهداشت نظیر وجود سرنگ، تجمع آشغال مواد غذایی، پلاستیکی، دیوار و معابر مخروبه و کهنه بر میزان ترس از جرم افراد افزوده می‌شود. احساس ناامنی ناشی از قربانی شدن و مورد هجوم قرار گرفتن در فرد شکل می‌گیرد.

فرضیه سوم: یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین سن و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود ندارد

فرضیه چهارم: نتایج نشان می‌دهد که بین دو متغیر فوق رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: یافته‌های حاصل آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر طول اقامت در محله و ترس از جرم رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. هر چه طول اقامت افراد در محله بیشتر باشد، میزان ترس از جرم نیز کاهش می‌یابد و برعکس هر چه مدت اقامت در یک محله کوتاه باشد، ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. اقامت طولانی در یک محله باعث اخت، انس و سازگاری محیطی در فرد شده و باعث می‌شود که نحوه مقابله با جرائم و تهدیدات و چگونگی قربانی نشدن را یاد می‌گیرد به این خاطر میزان ترس از قربانی شدن و جرم در چنین حالت کاهش می‌یابد. ولی هرچه فرد به محیط محله تازه‌وارد باشد، به خاطر احساس غریبگی و عدم عادت به فرهنگ محله بر میزان ترس از جرم افزوده می‌گردد.

فرضیه ششم: یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین وضعیت تأهل و ترس جرم تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۱۴) ترس از جرم برحسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	میانگین	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری
مجرد	۶۳/۴۹	۵/۸۸	۰/۰۰۰
متأهل	۳۶/۵۱		

نتایج حاصل از مقایسه میانگین نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین مجرد و متأهل وجود دارد. میانگین مجرد ۳۶/۵۱ و میانگین متأهل ۶۳/۴۹ و اختلاف میانگین نیز برابر با ۲۶.۹۸ می‌باشد. بررسی نشان می‌دهد که میانگین ترس از جرم در بین مجردان بیشتر از متأهل می‌باشد.

فرضیه هفتم: نتایج حاصل آزمون نشان می‌دهد که بین رسانه و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه هشتم: نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین نظارت اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری و معکوسی وجود دارد. هر چه نظارت اجتماعی چه نظارت

رسمی نظیر (پلیس، قانون) و غیررسمی (مردم، همسایه‌ها، نهادها و سازمان) ضعیف‌تر باشد، میزان ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. برعکس هر چه نظارت اجتماعی قوی‌تر گردد، روزنه انجام جرم تنگ‌تر شده و در نتیجه میزان ترس از جرم نیز کاهش می‌یابد.

فرضیه نهم: نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد. هر چه میزان وقوع جرم در منطقه و محله بیشتر باشد، ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد و برعکس هر چه جرم کمتر تکرار شود، میزان ترس از جرم کاهش می‌یابد. وقوع مزاحمت‌هایی برای دختران، زنان و بچه‌ها، خسارت عمدی به خودرو، مورد زورگیری واقع شدن دیگران، سرقت، تهدید واقع شدن، اهانت، نزاع درگیری، احتمال حمله میزان ترس از جرم را افزایش می‌دهد.

فرضیه دهم: نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین بی‌تفاوتی اجتماعی و ترس از جرم رابطه وجود دارد. هر چه افراد نسبت به وقوع بزهکاری و جرم در محله، آلودگی محیطی، سایر اتفاقات بی‌تفاوت باشند، میزان ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. در بی‌تفاوتی اجتماعی با فقدان مسئولیت مدنی و اجتماعی نسبت به جرائم و اتفاقات روزمره رابطه وجود دارد، هرکسی مسئولیت اقدام آن را به عهده دیگری می‌داند؛ بنابراین بی‌تفاوتی اجتماعی به معنای عدم نگرانی و دلسوزی همسایگان نسبت به حوادث رخ داده برای دیگران می‌باشند، هر چه چنین نگرشی شدت بیشتری داشته باشد، میزان ترس از جرم و احتمال قربانی شدن نیز در فرد بالا می‌رود.

فرضیه یازدهم: نتایج حاصل آزمون نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری و معکوسی وجود دارد. هرچه شهروندان نسبت به هم بی‌اعتماد باشند، میزان ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. خرید قفل فرمان برای ماشین، نرده‌ای کردن حیاط، تغییر قفل منازل، عدم پارک کردن خودرو در کوچه دال بر بی‌اعتمادی دارد. شیوع بی‌اعتمادی نسبت به هم باعث سلب آرامش خاطر خواهد شد و در حالی هر چه بر شعاع اعتماد افزوده‌تر گردد از میزان ترس از جرم نیز کاسته خواهد شد.

فرضیه دوازدهم: نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین احساس ننگ داغ و ترس جرم رابطه معنی‌داری و مستقیمی وجود دارد. هر چه فرد احساس ننگ داغی نسبت به قربانی شدن خودش، خانواده‌اش داشته باشد، به همین اندازه میزان ترس از

جرم در وی بالا خواهد رفت؛ اما هر چه احساس داغ ننگ کمتری نماید، از میزان ترس او کاسته خواهد شد

فرضیه سیزدهم: یافته‌های آزمون نشان می‌دهد که بین حضور پلیس و ترس از جرم رابطه معنی‌داری و معکوسی وجود دارد. هر چه حضور پلیس از طریق گشت‌های زوجی، حضور نگهبان محله، نصب ایستگاه ویژه پلیس، تأسیس پایگاه بسیج انتظامی در محلات حاشیه‌نشین بیشتر شود از میزان ترس از جرم نیز کاسته خواهد شد. در نتیجه عدم حضور پلیس در چنین محیطی موجب تبدیل به فضای غیرقابل دفاعی می‌شود که در تئوری پنجره شکسته مطرح است.

جدول (۱۵) - رگرسیون چندگانه

R2	Sig.	T	Beta	B	Variables
۰/۳۸۳	۰/۰۱۲	۲/۰۴۸	-۰/۳۲۳	-۰/۳۴۲	اعتماد اجتماعی
	۰/۰۰۰	۳/۱۳۴	-۰/۱۹۱	-۰/۲۲۳	داغ ننگ
	۰/۰۰۰	۱/۲۳۶	-۰/۲۱۴	-۰/۱۴۵	طول اقامت در محله
	۰/۰۰۰	۳/۴۸۸	-۰/۳۲۰	-۰/۳۵۸	کیفیت محله
	۰/۰۱۰	۲/۵۶۹	-۰/۲۸۴	-۰/۳۰۱	بی‌تفاتی اجتماعی
	۰/۰۴۳	۱/۳۹۲	-۰/۳۲۱	-۰/۱۱۳	تکرار وقوع جرم
	۰/۰۰۰	۳/۹۵۲	-۰/۳۶۰	-۰/۴۵۱	نظارت اجتماعی
	۰/۰۰۰	۲/۵۸۸	-۰/۲۹۰	-۰/۳۳۸	رسانه
	۰/۰۰۰	۲/۸۳۶	-۰/۱۱۱	-۰/۴۰۱	حضور پلیس
	۰/۰۰۰	۳/۴۶۸	-۰/۳۱۴	-۰/۳۸۹	بی‌نزاکتی محله
	۰/۶۵۲	-۰/۲۴۱	-۰/۰۶۳	-۰/۲۱۴	سن
	۰/۸۹۲	۱/۰۰۷	-۰/۲۳۶	-۰/۴۱۸	میزان تحصیلات
	۰/۵۴۰	-۰/۰۷۱	-۰/۱۲۵	-۰/۲۴۱	وضعیت تاهل
ضریب همبستگی چندگانه: ۰/۴۹					

چنانچه خروجی جدول فوق نشان می‌دهد متغیرهای مستقل این تحقیق ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین می‌کنند و ۶۲ درصد باقیمانده از این تغییرات توسط سایر متغیرهای خارج از مدل تبیین خواهد شد. بر اساس داده‌های این جدول

می‌توان گفت که قوی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده متغیر ترس از جرم به ترتیب عبارت‌اند از نظارت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تکرار و وقوع جرم، کیفیت محله و ...

بحث و نتیجه‌گیری:

ترس از جرم امری واقعی است و کیفیت زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله جدی برای جوامع امروزی است. بر شیوه زندگی مردم، سطح مشارکت، میزان اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری، انسجام اجتماعی اثر نامطلوبی دارد و تکرار آن نظارت طبیعی و خودجوش محلی را در جهت مقابله با آن تضعیف می‌کند. ترس از جرم اشاره به اضطراب و تهدید روانی افراد دارد که محیط زندگی را برای گروهی تهدیدآمیز کرده و باعث بروز هراس اجتماعی و روانی شده است. نظریه‌پردازان ترس از جرم، عواملی نظیر تئوری پنجره شکسته، معماری محیطی، کیفیت محله، داغ ننگ گافمن، بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی نسبت به وقوع جرم، افزایش سطح آگاهی محلات، مشارکت فعال شهروندان، تأسیس و حضور نیروهای پلیس جامعه‌محور را در کاهش ترس از جرم و ترمیم امنیت مناسب دانستند. در کلان‌شهرهای ایران به خاطر حاکمیت فردگرایی، سطحی شدن آشنایی‌ها، مهاجرت درون و بیرون شهری - استانی، وقوع جرائم جدید، گزارش و بازتاب حوادث تکان‌دهنده از رسانه به مردم، فقر و بیکاری، نامناسب بودن محل زندگی، مساعد بودن محیط برای انجام جرم، تشکیل طبقه جدیدی از افراد، شکاف اجتماعی بین طبقات جامعه زمینه‌های تهدید امنیت و ترس از جرم را فراهم آورده‌اند. مناطق حاشیه‌نشین در مقایسه با مناطق مرکزی و نوساز مستعد جرائم اجتماعی و هراس اجتماعی هستند. اکثر پاسخ‌گویان نسبت به رفت‌وآمد وزندگی در محلات خود احساس ناامنی دارند و احتمال می‌دهند که خانواده‌شان قربانی بزه و جرائم شود و حضور مستمر پلیس، پایگاه‌های پلیسی را یکی از عوامل کاهش ترس از جرم می‌دانند، این نشان می‌دهد که مردم به دستگاه‌های انتظامی در مقایسه با سایر ادارات اعتماد بیشتری دارند و می‌دانند مبارزه با چنین مسائلی در حوزه این گروه می‌باشد و در بحران‌های اجتماعی به عنوان پناهگاه مردمی عمل می‌کنند. وضعیت جسمانی نیز در بروز احساس ترس مؤثر است، چرا که زنان بیشتر از مردان ترس از جرم دارند این به قدرت بدنی و توانایی مردان برای مقابله با تهدیدات احتمالی و عدم توان جسمانی زنان

برای دفاع از خود را بیان می‌کند. همچنین میزان ترس در بین مجردان از جمله دختران بیشتر دیده می‌شود و دختران از اینکه برایشان سوت بکشند، فحاشی کنند، یا مزاحمتی ایجاد کنند که لطمه به شخصیتشان بزنند در هراس هستند و همیشه احتمال تهدید جرم را به خود می‌دهند. از عوامل تأثیرگذار در ترس زا بودن محله و محیط زندگی کیفیت محله است نظیر؛ وجود پارک مناسب جهت انجام تفریح، ورزش، مساجد، مغازه مدرن، کوچه‌های منظم، ساکنین دارای متشخص و کارمندان دولتی و غیردولتی، نصب دوربین مخفی در کوچه و خیابان، تمیز نگه‌داشتن معابر، رعایت بهداشت منازل و... باعث می‌شود که از انجام برخی جرائم به خاطر شان و منزلت اجتماعی خودداری شود و فرصتی برای مجرمین جهت ایجاد رعب و وحشت باقی نماند؛ چرا که فرصت جرم خود عاملی برای انجام جرم است که به نهاده‌ینه شدن جرم نیز می‌انجامد. از سویی محلاتی که در آن کارگران ساختمانی، فقرا، مهاجرین درآمد پایین، گروه مطرود اجتماعی زندگی می‌کنند، ساختمان به‌صورت آلونک، کوچه‌های خاکی، فاقد پارک و مسجد، مغازه و ورزشگاه و فضای سبز هستند این عامل مهمی در بروز جرم و ایجاد ترس از جرم در بین شهروندان می‌باشد. این بدین معناست که عوامل محیطی همچنین می‌تواند به کاهش و افزایش ترس از جرم کمک کند. تحقیقات نشان داده است که بهبود روشنایی، نصب نورافکن در محیط‌های شلوغ و پرتردد در مقایسه با فضای تاریک می‌تواند در برخی شرایط باعث احساس امنیت بیشتر شود. مکان‌های مؤثر بر مسیرهای پیاده‌روی، پارکینگ‌های زیاد، ایستگاه‌های اتوبوس، استراحتگاه‌های عمومی و ماشین‌های ATM می‌توانند باعث شوند تا افراد آن‌ها را به عنوان عواملی در نظر بگیرند که هنگام استفاده خطر کمتری دارند پس طراحی محیطی نظارت رسمی و طبیعی را افزایش می‌دهد که نظارتی است مخفی و خودکار و هزینه کنترل جرم را پایین می‌آورد و ضریب امنیت اجتماعی را بالا می‌برد. بی‌نزاکتی محله به شلوغی و آشفته بودن محله اشاره دارد از جمله، حضور معتادین و توزیع‌کنندگان موارد مخدر، نبود پارکینگ و مسائل مربوط به عبور و مرور ماشین و عابر، وسایل پرسروصدا و تعمیرگاه، موتورسیکلت، وجود محل تجمع جوانان با تیپ و لباس‌های رنگارنگ و مدل مویی گوناگون، خانه‌های خالی و مخروبه و تاریکی محلات عامل بی‌نزاکتی محله هستند که به ترس از جرم می‌انجامد؛ که مفهوم بی‌مدنیتی را می‌رساند. نظریه پنجره‌های شکسته

جورج کلینگ و جیمز کیو ویلسون در این تحقیق در مرکز متغیرها قرار می‌گیرند. عمدتاً نه توجه به جرائم جدی و مهم بلکه هدف قرار دادن بی‌نظمی و کج‌روی است. نویسندگان می‌گویند که اگر در جامعه‌ای اشکال بی‌اهمیت بی‌نظمی اجتماعی مثل نوشته‌های روی دیوار، فحشا، تکدی‌گری و به‌هم‌ریختگی مورد توجه قرار نگیرد، این امر باعث باز شدن درها به روی اشکال سخت‌تر و جدی‌تر جرم می‌شود، ایجاد سطل‌های آشغال کافی در فضاهای عمومی می‌تواند ترس را کاهش دهد، بنابراین آشغال کمتری که روی زمین می‌افتد، باعث می‌شود مردم این منطقه را به عنوان منطقه‌ای تمیزتر در نظر گرفته و احتمال کمتری دارد تا فرض کنند جرم و بی‌نظمی در آن به سراغ شهروندان برود. به همین شکل، اگر سطوح مقاوم در برابر شعار و عکس به طور موفقیت‌آمیز بکار برده شوند، عدم وجود شعار و عکس روی دیوار ممکن است باعث شود مردم آن منطقه را به عنوان منطقه‌ای امن‌تر در نظر بگیرند. نتایج نشان می‌دهد که هر چه طول اقامت در محله و محیط زندگی بیشتر شود میزان ترس از جرم نیز کاهش می‌یابد که به دو دلیل می‌توان گفت طول اقامت بیش از ۵ سال باعث کاهش ترس از جرم می‌شود: ۱- معمولاً مردم با همدیگر آشنا می‌شوند و شرایط جرم را برای خود قبول می‌کنند و به این روش زندگی عادت می‌کنند و شاید دیگر برایشان عجیب و نابهنجار به نظر نمی‌آیند. دیده می‌شود که در محلات آلوده‌نشین، خانواده‌ای به خرید و فروش مواد الکلی و تریاک اقدام می‌کند و چندین بار مأمورین انتظامی با این افراد برخورد کرده‌اند اما افراد محلات به خاطر آشنایی گزارش آن را به مأمورین نمی‌دهند و به‌خوبی باهم رفت‌وآمد دارند؛ ۲- یا سازوکار دفاع و برون‌رفت از جرم را یاد می‌گیرند و به‌خوبی نوعی مکانیسم دفاعی روانی، شخصیتی و اجتماعی برای خود تهیه می‌کنند که معمولاً خود را از آسیب‌های جرم کنار می‌کشند. در مجموع طول اقامت در محله باعث انس بیشتر و فرهنگ‌پذیری بیشتر می‌شود و باعث می‌شود که محیط آلوده برایشان آلوده جلوه نکند. این تطابق زشتی و قباحات محله را از بین می‌برد. همچنین نبود ایستگاه پلیس و عدم مراجعه مأمورین انتظامی به محلات حاشیه‌نشین به هنگام نزاع و درگیری، سرقت و عدم پیگیری افراد شرور، تریاک‌فروش باعث می‌شود جرم بیشتر وقوع یابد، طوری جلوی بعضی از مکانهای تریاک‌فروشی با بنر کوچک نوشته‌شده است که آرامش شما در دستان ماست مفهوم جمله فوق این است که برای رسیدن به آرامش

روانی و تخدیر به ما مراجعه کنید. شاید برای یک عابر معنای خاصی نداشته باشد اما برای فروش مواد و جذب مشتریان آن ترفند جالبی است. به همین خاطر وجود نگهبان محله در مناطق حاشیه‌نشین و فقیر ضروری‌تر از مناطق مرکزی است گرچه حضور نگهبان محله عامل تهدید برای مجرمان است و ممکن است باعث آسیب جانی به نگهبانان باشد اما اقدامی مفید می‌تواند باشد. چون در مناطق مرکزی شهر معمولاً جرائم زیاد نیست و بیشتر جرائم هراس آفرین در حاشیه‌هاست و تهدیدی بر توسعه امنیت و نظم مرکز نیز به شمار می‌آیند. وقوع بیش از حد آن نوعی بی‌اعتمادی در بین مردم ایجاد می‌کند و مردم نسبت به هم و نسبت به پلیس بی‌اعتمادتر می‌شوند و منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی بین نهادهای انتظامی، دولتی و کاهش صمیمیت، وجهه، احترام می‌شود که منجر به کاهش کار آیی پلیس و شکست در استاندارد سازی نظم جامعه، کاهش مشارکت مردم در مأموریت‌های پلیسی می‌شود. درجایی که بی‌تفاوتی اجتماعی حاکم است به قول هابرماس نوعی بحران اجتماعی است که مهم‌تر از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی است، چرا که منجر به بحران انگیزش در امور جامعه می‌شود و باعث عدم میل و رغبت مردم برای مشارکت، همکاری با پلیس و نهادها می‌شود. پس به فقدان انگیزه و مسئولیت برای جلوگیری از بروز جرم و همکاری با پلیس اشاره دارد. مناطق حاشیه‌نشین که زمینه برای انجام برخی جرائم نظیر فحشا، تجاوز جنسی، سرقت دختران و زنان، هتک حرمت و... فراهم می‌سازد ممکن است در هر زمان و مکانی باعث لکه اجتماعی به شهروندی شود که از آن به شدت هراسان است به این خاطر داغ ننگ اصطلاحی است که برای خودداری از احتمال بی‌آبرویی بکار برده می‌شود و برای اینکه در بین فامیل، اقوام و محله از ارزش اجتماعی آن‌ها کاسته نشود سعی می‌کنند از اینکه دچار بی‌آبرویی شوند، دوری نمایند.

پیشنهاد‌های تحقیق

- به محققین توصیه می‌شود به مقایسه مناطق مرکزی و حاشیه، قشر مرفهین و فقرا، کارمندان دولتی و کارگران، نظامیان و سایر گروه‌ها در مورد ترس از جرم بپردازند.
- ایجاد نگهبان محله در مناطق حاشیه‌نشین بسیار ضروری است چرا سطح اعتماد به پلیس در حد خوبی است و می‌تواند ترس از جرم را کاهش دهد.

- مهاجرت ساکنین مناطق حاشیه‌نشین به شهرک‌های جدید با کمک‌هزینه دولتی و وام‌های کم‌بهره، گرچه این کار سخت است و به حرفه و نوع شغل و کسب این‌ها آسیب می‌زند و برای دولت زمان‌بر و هزینه‌بردار است اما بهترین روش برای کاهش جرائم اجتماعی و ترمیم امنیت است، همیشه در برنامه باید بلندمدت را در نظر گرفت البته این کار نیازمند کار فرهنگی و آموزشی است.
- آموزش شهروندان مناطق حاشیه‌نشین و ایجاد ارتباط اجتماعی با شهروندان مناطق مرکزی و نوساخت از طریق انجمن غیردولتی.
- پاکیزه کردن کوچه بی‌نظم و ورود شهرداری به تأسیس سطل آشغال، جدول کثیف ایجاد پارک مناسب و خودداری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز.
- سپردن مسئولیت به مردم و همکاری نزدیک با پلیس؛ البته پلیس باید حضور بیشتری در محلات داشته باشد.
- نظارت شدید شهرداری و مأمورین انتظامی بر مناطق حاشیه و جلوگیری از گسترش آن‌ها.

منابع

- احمدی، حبیب؛ سروش، مریم؛ افراسیابی، حسین (۱۳۸۸)، ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۲، تابستان.
- حسنوند، اسماعیل (۱۳۹۱)، راهبردهای پلیسی کاهش ترس از جرم، فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۲۰
- دواس، دی. ای (۱۳۸۱)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی
- دیلینی، تیم (۱۳۹۱)، نظریه کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- علیخواه، فردین و نجیبی، مریم (۱۳۸۵)، زنان و ترس از جرم در فضای شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی، شهرنشین و بوم‌شناسی هراس، مجموعه مقالات همایش بررسی نقش روانشناسی و مشاوره، جلد اول، نیروی انتظامی، معاونت اجتماعی.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و نصر اصفهانی (۱۳۹۱)، مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در مناطق شهری؛ مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱.
- کوردنر، گری (۱۳۹۰)، استراتژی‌های پلیسی کاهش ترس از جرم، مترجم: اسماعیل حسنوند، احسان حسنوند، فروردین ۱۳۹۰، انتشارات جامعه‌شناسان
- گرابسکی، پیتران (۱۳۸۴)، ترس از جرم و استراتژی کاهش ترس از جرم، ترجمه چنگیز ویس اله وند و مجید رضایی راد، فصلنامه امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره دوم و سوم
- گرابسکی، پیتران (تابستان و پاییز ۱۳۸۴)، ترس از وقوع جرم و استراتژی‌های کاهش ترس از جرم، ترجمه چنگیز ویس اله وند و مجید رضایی راد، فصلنامه امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره دوم و سوم، ۲۱۱-۲۳۲
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی آبادان، تهران: کیان مهر

- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی
- Bannister, J. (1993). Locating fear: Environmental and ontological security. In H. Jones (Ed.), *Crime and the urban environment* (pp. 69-84). Aldershot: Avebury
 - Baur, J. (2007) Fear of crime: the impact of age, victimisation, perceived vulnerability to victimisation and neighbourhood characteristics. Available from the
 - Behaviour: Specifying and Estimating a Reciprocal Effects Model, *Social Forces* 66: pp.827-837
 - Behaviour: Specifying and Estimating a Reciprocal Effects Model, *Social Forces* 66: pp.827-837
 - Brantingham, P. L. & Brantingham, P. J. (1990). Situational crime prevention in practice. *Canadian Journal of Criminology*, 32(1), 17-40.
 - Canadian Press Newswire. (1996, July 30). Government to notify public of dangerous criminals, report says. Critics say privacy commissioner's recommendations to ID offenders wrong.
 - change in R. Matthews and J. Young (eds.) *Issues in Realist Criminology*, London: Sage: pp.19-50
 - Chevalier, L. (1973). *Labouring Classes and Dangerous Classes in Paris in the First Half of the Nineteenth Century*. New York: Howard Fertig.
 - Covington, J. and Taylor, R. B. (1991). "Fear of Crime in Urban Residential Neighbourhoods: Implications of Between- and Within- Neighborhood Sources for Current Models. *The Sociological Quarterly*, 32, 2, 231-249
 - Doran, B.J. & Lees, B.G. (2005) Investigating the Spatiotemporal Links between Disorder, Crime, and the Fear of Crime, *The Professional Geographer* 57(1): pp.1-12
 - Ennis, P. (1967). *Criminal Victimization in the United States: A Report of a National Survey*.
 - Farrall, S. Jackson, J. and Gray, E. (2009). 'Social Order and Fear of Crime in Contemporary Times', Oxford: Oxford University Press, Clarendon studies in Criminology.
 - Ferraro, K.F. (1995) *Fear of Crime: Interpreting Victimization Risk*, Albany: State University of New York Press
 - Gabriel, U. & Greve, W. (2003) *The Psychology of Fear of Crime*, *The British Journal of Criminology* 43(3): pp.600-
 - Gabriel, U. & Greve, W. (2003). The psychology of fear of crime: Conceptual and methodological perspectives. *British Journal of Criminology*, 43, 600-614.
 - Garofalo, J. & Laub, J. (1978) *The Fear of Crime: Broadening our Perspective*, *Victimology* 3: pp.242-253



- Girling, E. Loader, I. & Sparks, R. (2000). Crime and Social Control in Middle England: Questions of Order in an English Town. London: Routledge
- Goodey, J. (1997) Boys Don t Cry: Masculinities, Fear of Crime and Fearlessness, The British Journal of Criminology 37(3): pp.401-418
- Goodey, J. (2005) Victims and Victimology: Research, Policy and Practice, Harlow: Pearson Education Ltd
- Goodey, J. 2005. Victims and Victimology: Research, Policy and Practice. London: longman
- Hale, C. (1996) Fear of Crime: A Review of the Literature, International Review of Victimology 4: pp.79-150
- Hale, C. (1996) Fear of Crime: A Review of the Literature, International Review of Victimology 4: pp.79-150
- Hale, C. (1996). Fear of crime: A review of the literature. International Review of Victimology, 4, 79-150.
- Hale, C. (1996). "Fear of crime: a review of the literature", International Review of Victimology, Vol. 4, pp. 79-150.
- Hornick, J. P. Burrows, B. A. Tjosvold, I. & Phillips, D. M. (1989). An evaluation of the neighbourhood foot patrol program of the Edmonton Police Service. Edmonton: Canadian Research Institute for Law and the Family.
- Hough, M. (1995). Anxiety about crime: Findings from the 1994 British Crime Survey. London: Home Office Research and Statistics Department.
- Hough. M. (1995) Anxiety about Crime: Findings from the 1994 British Crime Survey, Home Office Research Study 147, London: HMSO
- Jackson, J. (2006) Introducing Fear of Crime to Risk Research, Risk Analysis 26(1): pp.253-264
- Kelly, L. 1988. Surviving Sexual Violence. Cambridge: Polity Press
- Lee, M. (2007) Inventing Fear of Crime Criminology and the Politics of Anxiety, Cullompton: Willan
- Lee, M. (2007). Inventing Fear of Crime: Criminology and the Politics of Anxiety. Willan, Collumpton.
- Lee, M. (2007). Inventing Fear of Crime: Criminology and the Politics of Anxiety. Willan, Collumpton
- Liska, A. Lawrence, J. and Sanchirico, A. (1982). "Fear of crime as asocial fact, Social Forces, Vol. 60, pp.760- 770
- Liska, A.E. Sanchirico, A. & Reed, M.D. (1988) Fear of Crime and Constrained
- Liska, A.E. Sanchirico, A. & Reed, M.D. (1988) Fear of Crime and Constrained

- Madriz, E. 1997. Nothing Bad Happens to Good Girls: Fear of Crime in Women's Lives. London: University of California Press.
- Matthews, R. (1992) Replacing Broken Windows: Crime, Incivilities and Urban
- Mays, M. (2000). The Structural Determinants of Fear of Crime. Ph.D dissertation, The University of Texas at Arlington.
- Moore, S. & Shepherd, J. (2007) The Elements and Prevalence of Fear, The British Journal of Criminology 47(1): pp.154-162
- Pain, Rachal (2000), place, social relation and the fear of crime. A review progress in human geography
- Perkins, D. & Taylor, R. (1996). Ecological assessments of community disorder: Their relationship to fear of crime and theoretical implications. American Journal of Community Psychology, 24, 63-107.
- Queensland Police Service (2005). Fear of crime. In www.police.qld.gov.au/pr/program/p-safety/per-vio/fear.html (2005/09/27).
- Ramsay, M. (1989) Downtown Drinkers: the perceptions and fears of the public in a city centre, Crime Prevention Unit Paper 19, London: HMSO
- Renauer, C. B. (2007). Reducing fear of crime: citizen, police, or government responsibility? Police Quarterly, 10
- Schafer, J. Huebner, T. and Bynum, T. (2006). "Fear of crime and criminal victimization: gender-based contrasts", Journal of Criminal Justice, Vol. 34, pp. 285-301
- Scott, J. (1990) A Matter of Record, Cambridge: Polity Press
- Scott, J. (1990) A Matter of Record, Cambridge: Polity Press
- Segal, L. 1996. 'Explaining Male Violence' in J. Muncie; E. McLaughlin and M. Langan (eds) Criminological Perspectives: A Reader. London: Sage, pp.187-202.
- Skogan, W. G. & Klecka, W. R. (1997). Fear of crime. Washington: American Political Science Association
- Skogan, W.G. (1987) The Impact of Victimization on Fear, Crime and Delinquency 33(1): pp.135-154
- Skogan, Wesley G. and Michael G. Maxfield. 1981. Coping with crime: Individual and neighborhood reactions. Beverly Hills: Sage Publications
- Stanko, E. 1985. Intimate Intrusions: Women's experience of male violence. London: Routledge
- Stanko, E. 1990. Everyday Violence: How Women and Men Experience Sexual and Physical Danger. London: Pandora.



- Stanko, E. 1994. 'Dancing with Denial: Researching Women and Questioning Men' in M. Maynard and J. Purvis (eds) Researching
- Theorising the Fear of Crime: The Cultural and Social Significance of Insecurities about Crime by Stephen Farrall, Emily Gray, Jonathan Jackson :: SSRN". Papers.ssrn.com. doi:10.2139/ssrn.1012393. Retrieved 2014-05-05
- Tyler, T.R. (1980) 'Impact of Directly and Indirectly Experienced Events: The Origin of Crime-related Judgements and Behaviours' Journal of Personality and Social Psychology 39:13-28.
- Vanderveen, G. (2006) Interpreting Fear, Crime, Risk & Unsafety, The Hague: BJU Legal Publishers
- Wesley Skogan, "Fear of Crime and Neighborhood Change, in Albert J. Reiss, Jr. and Michael Tonry, Communities and Crime, Vol. 8 of Crime and Justice: A Review of Research (Chicago: The University of Chicago Press, 1986), p. 210
- Williams, Chris (2008), Crime Mapping Case Studies: Practice and Research: Mapping The Fear of Crime- A macro – approach in Merton, Wiley, London
- Williams, K.S. (2004) Textbook on Criminology, 5th Edition, Oxford: Oxford University Press
- Winkel, F. W. & Vrij, A. (1990). Fear of crime and mass media crime reports: Testing similarity hypotheses. International Review of Victimology, 1, 251-265.
- Women's Lives from a Feminist Perspective. London: Taylor and Francis, pp.93-105
- Wyant, B.R. (2008). Multilevel impacts of perceived incivilities and perceptions of crime risk on fear of crime isolating endogenous impacts. Journal of Research in Crime and Delinquency, 45, 39-64.
-

